

# مشعل خورشید

## استندهای امام حسین (ع) به آیات قرآن

به مناسبت سوم شعبان، سالروز ولادت امام حسین (ع)



● دکتر محمود مهدوی دامغانی

یکی از آموزه‌های بسیار زیبا و دلنشین امام حسین (ع) که نشانی دیگر از پیوستگی آن وجود نازنین به ساحت قدس الهی و قرآن مجید است، آیات مبارکات قرآن است که حضرتش گاه‌گاه به آن استناد فرموده و شاهد آورده است. به مناسبت ماه فرخنده شعبان که ولادت امام حسین (ع) در آن واقع شده و زیارت آن حضرت توصیه شده، توفیقی و فرصتی دست داد تا احوال و مکارم اخلاق آن انسان کامل را از برخی منابع ارزنده و معتبر شیعه و اهل سنت، بازخوانی کنم و از آن خرمن والا و گران سنگ خوشه برچینم و دل زنگار گرفته را با آن زلال توحید آشناتر سازم؛ شاید به لطف حق تعالی و پایمردی آن امام معصوم، اندکی از زنگارها، کاسته و زدوده شود. در این میان آیات قرآنی را که مورد استشهاد و استناد آن حضرت قرار گرفته است یاد داشت کردم؛ بدیهی است که این خوشه‌چینی فقط از چند منبع و مأخذ صورت گرفته و طبیعی است که سبویی از دریا و قسمت یک روزه است.

۱ - محمدبن مسعود عیاشی، دانشمند برجسته سده‌های

دکتر محمود مهدوی دامغانی، دکترای زبان و ادب فارسی از دانشگاه تهران در آغاز دهه چهل و از چهره‌های برجسته و پرکار دانشگاهی در حوزه تدریس، تألیف و ترجمه می‌باشد. از این استاد فرهیخته تاکنون بیش از پنجاه اثر سترگ به جامعه علمی کشور عرضه شده که برخی از آنها عبارتند از: *نهایة الأرب* (ده مجلد)، *جلوه تاریخ* در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (هفت مجلد)، *طبقات ابن سعد* (هفت مجلد)، *ترجمه المعیار و الموازنة، اخبار الطوال، الوثائق، المغازی، مقتل امیرالمؤمنین، و...* که دو اثر المغازی و جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید به عنوان کتاب سال برگزیده شده‌اند. هم‌اینک وی ضمن تدریس در دانشگاه‌های مختلف، و انجام ترجمه‌های جدید، با *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* و *دانشنامه جهان اسلام* نیز همکاری علمی دارد.



سوم و چهارم هجری و در گذشته به سال ۳۲۰ هجری که به گفته ابن ندیم در الفهرسته دویست و هشت تألیف ارزنده فراهم آورده است و شیخ طوسی هم در کتاب الفهرست خود در این باره به گفته ابن ندیم استناد کرده، چنین آورده است:

امام حسین علیه السلام از کنار گروهی از بی‌نویان گذشت که برای خود عیابی را به جای سفره گسترده و بر آن پاره‌های نان نهاده بودند، آنان به صفای خود، حضرتش را به خوردن فرا خواندند، دو زانو نشست و همراه آنان از همان پاره نان‌ها خورد و این بخش از آیه بیست و سوم سوره نحل را تلاوت کرد که خداوند فرموده است «**انه لایحب المستکبرین**» به درستی که خداوند اهل تکبر (گردنکشان) را دوست نمی‌دارد». سپس از آنان خواست تا میهمان حضرتش شوند و همه اندوخته غذای موجود در خانه را نثار ایشان کرد، (تفسیر عیاشی، ۲/۲۵۷ و به نقل از آن، مجلسی، بحار الانوار، ۴۴/۱۸۹).

۲ - انس بن مالک می‌گوید در محضر امام حسین علیه السلام بودم یکی از کنیزکانش آمد و با آوردن یک شاخه ریحان، سلام و تحیت گفت. امام به کنیزک گفت تو در راه خدا آزادی، من گفتم این کنیز با شاخه‌ی ریحان، درود و تحیت می‌گوید و تو آزادش می‌کنی؟ فرمود آری خداوند ما را بدین گونه تعلیم داده و فرموده است «**و اذا حییتم بتحیه فحیوا باحسن منها**» هرگاه به شما درود گفتند، بهتر از آن پاسخ گویند» (نساء / ۸۶). کاری که از کار او بهتر است آزاد کردن اوست (کشف الغمّه، ۲/۳۱۲؛ اعیان الشیعه، ۱/۵۷۹ (چاپ جدید)؛ بحار الانوار، ۴۴/۱۹۵).

۳ - برقی، محدث و دانشمند سده‌های دوم و سوم هجری که از اصحاب حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا و حضرت جواد(ع) است در کتاب المحاسن خود آورده است که عمروعاص در حضور معاویه به صورت ریشخند از امام حسین(ع) پرسید چرا ریش ما کم پشت و پراکنده است و محاسن شما پرپشت و انبوه است؟ فرمود خدای متعال فرموده است «**والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبت لایخرج الا نکدا**» زمین پاکیزه، گیاهش به اجازه پروردگار می‌روید و زمین ناپاک، چیزی جز گیاه ناپاک نمی‌رویند» (اعراف / ۵۸).

## تو گذشت داشته باش و دعوت به

### خوبی‌ها کن و از مردم نادان کناره

### بگیر. هرگاه وسوسه‌ای از ناحیه شیطان

### به تورد به خدا پناه بر که او شنونده

### دانا است. اهل تقوا وقتی از ناحیه

### شیطان گرفتار وسوسه می‌شوند به یاد

### خدا می‌افتند، در نتیجه راه حق را به

### روشنی می‌بینند و بیدار می‌گردند».

آیا در برابر ریشخند عمروعاص پاسخی دندان شکن‌تر از این آیه می‌توان پیدا کرد؟ خوانندگان گرامی توجه دارند که به سبب شباهت نوشتن نام‌های حسن و حسین به یکدیگر در برخی از ماخذ، این موضوع به حضرت مجتبی هم نسبت داده شده است (مناقب ابن شهر آشوب، ۴/۶۷).

۴ - در آن هنگام که پس از مرگ معاویه، مروان در مدینه برای بیعت حسین علیه السلام با یزید پافشاری می‌کرد و حضرتش نمی‌پذیرفت، مروان آغاز به تهدید کرد و گفت فقط سخن‌پردازی می‌کنید و کینه خاندان ابوسفیان را در سینه دارید و در این صورت باید که آنان هم نسبت به شما کینه‌توزی کنند. امام علیه السلام فرمود، خود را باش و از من کناره بگیر، ما خاندانی هستیم که خداوند متعال درباره ما فرموده است: «**انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا**» خداوند خواسته است ناپاکی‌ها را از شما اهل بیت بزاید و شما را پاک گرداند» (احزاب/۳۳). مروان سرافکننده شد و دیگر دم بر نیآورد (مقتل ابن اعثم کوفی، ص ۲۴؛ تذکره الخواص، ص ۲۳۴ به نقل از کتاب الطبقات ابن سعد).

۵ - مردی شامی به نام عصام می‌گوید، به مدینه آمدم، چون حسین علیه السلام را در کمال محبوبیت دیدم از کینه و حسد به او و پدرش دشنام‌های سخت دادم، با عاطفه و مهربانی مخصوص به من نگریست و این آیات را تلاوت فرمود.

«**خذالعفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین**، و اما ینزعنک من الشیطان نزع فاستعذ بالله انه سمیع علیم، ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون» تو گذشت داشته باش و دعوت به خوبی‌ها کن و از مردم نادان کناره بگیر. هرگاه وسوسه‌ای از ناحیه شیطان به تو رسد به خدا پناه بر که او شنونده دانا است. اهل تقوا وقتی از ناحیه شیطان گرفتار وسوسه می‌شوند به یاد خدا می‌افتند، در نتیجه راه حق را به روشنی می‌بینند و بیدار می‌گردند» (اعراف / ۱۹۹ - ۲۰۱).

سپس گفت، ای مرد کار را بر خود آسان بگیر و اینک برای خودت و برای من نزد پیشگاه خداوند آمرزش خواهی کن؛ اگر یاری می‌خواهی یاریت دهیم، اگر نیازمندی نیازت را





برآوریم، اگر راهنمایی می‌خواهی  
ترا رهنمون باشیم. من از گفتار خود  
و پاسخ و رفتار حسین علیه‌السلام  
بسیار شرمند شدم و چون نشانه  
آن (شرمساری) را بر چهره‌ام دید  
این آیه (یوسف / ۹۲) را تلاوت  
فرمود: «لاتتربیب علیکم الیوم»

یعقوب‌الله لکم: امروز شما را ملامتی نیست خدایتان بیامرزد  
(منتهی‌الاحمال، ۲۰۹/۱)

۶ - مردی به حسین علیه‌السلام گفت در تو تکبری  
نهفته است! فرمود: کبر و تکبر همه‌اش ویژه خداوند یکتاست  
و نباید در کسی وجود داشته باشد؛ ولی عزت و سرفرازی آری؛  
که خداوند کریم فرموده است: «ولله العزة و لرسوله  
وللؤمنین» (منافقون / ۸) (بحارالانوار، ۱۹۸/۴۴).

۷ - و چون در نیمه شعبان از مدینه بیرون آمده و آهنگ  
مکه کرد این آیه را تلاوت فرمود که «فخرج منها خائفا  
یتربق، قال رب نجنی من القوم الظالمین: پس با ترس و  
مراقبت، از شهر خارج شد و گفت پروردگارا مرا از این قوم  
ستمگر نجات ده» (قصص / ۲۶)؛ و چون نزدیک مکه رسید  
و کوه‌های آن شهر پدیدار شد این آیه را تلاوت فرمود «و لما  
توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل:  
چون رو به مدینه نهاد، گفت امید است پروردگارم مرا به راه  
راست هدایت کند» (همان / ۲۲) (تاریخ طبری، ۳۴۳/۵،  
مقتل ابن اعثم کوفی، ص ۲۴، الارشاد شیخ مفید، ۳۵/۲).

۸ - مجلسی به نقل از شیخ مفید نوشته است که چون  
سیدالشهدا (ع) از مدینه بیرون آمد گروه‌هایی از فرشتگان و  
پریان بر یاری آن برای حضرت آمدند. برای ایشان از پیشگاه  
خداوند پاداش مسئلت کرد و فرمود این آیه را به یاد آورید که  
خداوند فرموده است «اینما تکنوا یدرکم الموت ولو کنتم  
فی بروج مشیة: هر جا که باشید، مرگ شما را در می‌یابد  
هر چند در برج‌هایی محکم باشید» (نساء/ ۷۸). سپس این آیه  
را تلاوت فرمود که «لیرز الذین کتب علیهم القتال الی  
مضاجعهم: آنها که کشته شدن برایشان مقرر شده بود، به  
قتلگاه خویش می‌آمدند» (آل عمران/ ۱۵۴) (بحارالانوار،

## مردی به حسین علیه‌السلام گفت در تو تکبری نهفته است! فرمود: کبر و تکبر همه‌اش ویژه خداوند یکتاست و نباید در کسی وجود داشته باشد؛ ولی

(۳۳۱/۴۴).

عزت و سرفرازی آری؛ که خداوند  
کریم فرموده است: «ولله العزة و  
لرسوله وللؤمنین»

۹ - در شهر مکه و بیش از  
حرکت به سوی عراق، عبدالله بن  
عباس و عبدالله بن عمر که به مکه  
آمده بودند مکرر با سیدالشهدا دیدار  
و گفت‌وگو داشتند و پیشنهاد  
می‌کردند تا امام علیه‌السلام از

رفتن به عراق و قیام خودداری کند و می‌گفتند کاری  
خطرناک است و وضع روشن نیست. حسین (ع) فرمود من به  
همان آیه که ابراهیم علیه‌السلام به هنگام انداختن حضرتش  
در آتش بر زبان آورد توسل و تمسک می‌جویم که  
«حسبی الله و نعم الوکیل: خدایم کفایت می‌کند و او بهترین  
وکیل است». و بدان گونه آتش بر او سرد و سلامت شد،  
خوانندگان توجه داشته باشند که در آیه ۱۷۳ سوره آل عمران  
به صورت حسبنالله آمده است (مقتل ابن اعثم کوفی،  
ص ۳۵).

۱۰ - و هنگامی که از مکه برای رفتن به کوفه بیرون آمد،  
فرستادگان عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مکه به سرپرستی  
برادرش یحیی بن سعید نزدیک تنعیم به حسین علیه‌السلام  
رسیدند و پیشنهاد برگشتن به مکه کردند که امام (ع)  
نپذیرفت، و چون گفت‌وگو به تندی کشید و با تازیانه به  
یکدیگر حمله کردند، حسین علیه‌السلام به راه خود ادامه داد  
فرستادگان حاکم مکه فریاد برداشتند که ای حسین! آیا از خدا  
نمی‌ترسی که از جماعت فاصله می‌گیری و میان امت  
پراکنده می‌افتی؟ در پاسخ آنان این آیه را تلاوت فرمود  
«لی عملی ولکم عملکم انتم بریئون مما عمل و انا بریء مما  
تعملون: عمل من برای من و عمل شما برای خودتان، شما  
از عمل من بیزارید و من هم از عمل شما بیزارم»  
(یونس/ ۴۱) (مقتل ابومخنف، ص ۱۵۵؛ تاریخ طبری، ۳۸۵/۵،  
اعیان الشیعة، ۵۹۴/۱).

۱۱ - میان راه مکه و کوفه نزدیک منطقه بطن الرمه  
عبدالله بن مطیع که از عراق بر می‌گشت به دیدار سیدالشهدا  
آمد و پس از سلام و احترام پرسید آهنگ کدام شهر داری؟  
فرمود مردم کوفه برای من نامه نوشته‌اند و خواسته‌اند پیش

**ظهر عاشورا هنگامی که قیس بن  
اشعث نگون بخت، تسلیم فرمان  
بنی امیه شد، آن حضرت فرمود به  
خدا سوگند که همچون زبوان تسلیم  
نمی شوم و همچون بردگان  
فرمان پذیر نخواهم بود، یا همچون  
بردگان نمی گریزم.**

آمد، سیدالشهدا(ع) مرکب خود را خواست و سوار شد و ضمن نصیحت و اندرز، فرمود اگر دلیل و حجت مرا نمی پذیرید و انصاف نمی دهید «فاجمعوا امرکم و شرکاءکم ثم لایکن امرکم علیکم غمة ثم اقضوا الی ولاتنظرون: شما

و شریکتان یکدل شوید آنچنان که هیچ چیز بر شما پوشیده نباشد. آنگاه درباره من هرچه می خواهید انجام دهید و مهلت ندهید» (یونس/۷۱) که همانا «ان ولی الله الذی نزل الكتاب و هو یتولی الصالحین: بزرگ و سرپرست من خدایی است که کتاب قرآن را فرستاده و او متولی صالحان است» (اعراف/۱۹۶). آیه نخست همان است که حضرت نوح خطاب به کافران فرموده است (مقتل ابومخنف، ص ۲۰۶).

۱۵ - و خطاب به آنان فرمود «استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله: شیطان بر آنان غلبه کرد پس ذکر خدا را فراموش کردند» که برگرفته از آیه ۱۹ سوره مجادله است و ضماین از مخاطب استفاده شده است.

۱۶ - و به ظهر عاشورا هنگامی که قیس بن اشعث نگون بخت، تسلیم فرمان بنی امیه شد، آن حضرت فرمود به خدا سوگند که همچون زبوان تسلیم نمی شوم و همچون بردگان فرمان پذیر نخواهم بود، یا همچون بردگان نمی گریزم. که درباره این اختلاف لفظی در پا برگ صفحه ۲۰۹ مقتل ابومخنف و هم در اعیان الشیعة توضیح داده شده است و این دو آیه را تلاوت فرمود «وانی عذت بری و ربکم ان ترجمون: من به پروردگاران پناه می برم از اینکه سنگسار کنید» (دخان/۲۰)؛ و «انی عذت بری و ربکم من کل متکبر لایؤمن بیوم الحساب: از شر هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، به خدا پناه می برم» (مؤمن / ۲۷) (مقتل ابومخنف، ص ۲۰۹ و بسیاری از ماخذ دیگر).

سلام و رحمت و برکت های بی کران خدا بر حضرتش باد که اندوه ماتمش مایه آبروست و اسلام از طفیل خون پاکش جاودانه سرخ روست.

ایشان بروم. امیدوارند حق را زنده کنند و بدعت ها را از میان بردارند، عبدالله بن مطیع گفت تو را به خدا سوگند به کوفه مرو که اگر آنجا بروی کشته خواهی شد، امام در پاسخ او این آیه (توبه / ۵۱) را تلاوت فرمود: «قل لن یصیبنا الا

ما کتب الله لنا هو مولانا و علی الله فلیتوکل المؤمنون: بگو هرگز جز آنچه خداوند برای ما نبسته است بر ما نخواهد رسید همو مولای ماست و باید که مؤمنان بر خدا توکل کنند» (ترجمه اخبار الطوال دینوری، ص ۲۹۴).

۱۲ - در منطقه عذیب هجانات که نزدیک قادسیه است، چهار مرد از مردم کوفه برای پیوستن به آن حضرت آمدند و خبر کشته شدن قیس بن مسهر صیداوی را دادند، دیدگان حضرتش بر اشک نشست و این آیه را تلاوت فرمود: «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینظر و ما بدلوا تبدیلا: از اهل ایمان، بعضی به شهادت رسیده و بعضی انتظار شهادت می کشند و هیچ گاه تغییر روش نمی دهند» (احزاب/۲۳) (تاریخ طبری، ۴۰۵/۵).

این آیه بویژه و پس از آههی حضرتش از شهادت و دیگر شهیدان مورد استشهاده امام قرار گرفته است.

۱۳ - هنگامی که به منطقه قطفطانه که نزدیک کوفه است رسید، خیمه ای بر افراشته دید و پرسید این خیمه از کیست؟ گفتند از عبیدالله بن حر جعفی. حسین(ع) پیش او رفت و پیشنهاد فرمود به اصحاب امام بپیوندند، او نپذیرفت و گفت اسبی بسیار خوب دارم تقدیم حضورت می کنم، امام علیه السلام روی از او برگرداند و این آیه را تلاوت فرمود که «و ما کنت متخذ المفضلین عسدا: من هرگز گمراهان را پشتیبان خود نمی گیریم» (کهف/۵۱) (الامالی شیخ صدوق، مجلس سی ام، ص ۱۵۴؛ قادتله ۹۶/۶)؛ مقتل ابن اعثم کوفی، ص ۸۸، با اندک تفاوت).

برای آههی از پشیمانی و سرگشتگی عبیدالله بن حر و اشعاری که سروده است به کتاب هایی چون تاریخ طبری مراجعه فرمایید.

۱۴ - بامداد عاشورا همین که لشکر عمر بن سعد نزدیک

